

## تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین نوع مالکیت و افشای منابع انسانی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی طاهری<sup>۱</sup>

### چکیده

افشا به عنوان یکی از اصول حسابداری مطرح است و بر این اساس باید کلیه اطلاعات مربوط به فعالیت شرکت به نحو مناسب و به موقع در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین نوع مالکیت و افشای منابع انسانی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. پژوهش انجام‌شده از نظر نوع هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است و روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی علت و معلولی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلالات قیاسی - استقرایی صورت گرفته و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از تحلیل پانلی کمک گرفته شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، از داده‌های ۱۴۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۸ استفاده شده است. نتایج این پژوهش نتایج نشان داد که تمرکز مالکیت و مالکیت مدیریتی رابطه منفی و معناداری با افشای منابع انسانی دارد؛ اما رابطه مالکیت نهادی با افشای منابع انسانی معنی‌دار نیست؛ همچنین ارتباطات سیاسی رابطه منفی تمرکز مالکیت با افشای منابع انسانی را تقویت می‌کند؛ اما بر رابطه میان مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی با افشای منابع انسانی تأثیر معناداری ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** ارتباطات سیاسی، تمرکز مالکیت، مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی و افشای منابع انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱- مقدمه

هر سازمان برای دستیابی به اهداف خود به چهار عنصر از منابع در انجام فعالیت‌های خود شامل منابع مادی، منابع انسانی<sup>۲</sup>، منابع اطلاعاتی و منابع مالی نیاز دارد. به عنوان یکی از منابع اصلی، نمی‌توان منابع انسانی را دست کم گرفت زیرا امروزه منابع انسانی به یک موضوع استراتژیک تبدیل شده‌اند و سازمان‌ها متوجه شده‌اند منابع انسانی با ارزش‌ترین منابع آن‌ها هستند. منابع انسانی به کاتالیزوری برای سایر منابع تبدیل شده‌اند. جایی که منابع مادی، سرمایه‌ای یا منابع مالی و منابع اطلاعاتی بدون حضور منابع انسانی قابل استفاده نیست؛ در نتیجه، بیشتر سازمان‌ها برای ادامه مشروط به این هستند که برای جذب افراد مناسب با اهداف سازمانی، روی جذب کارکنان مناسب تمرکز کنند تا از توانایی بیشتری نسبت به قبل برخوردار شوند (هامیدا و ساری<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰).

در تحقیقات پیشین نشان داده شده است که ساختار مالکیت می‌تواند رابطه معناداری با افشای منابع انسانی داشته باشد. به عنوان مثال برخی مطالعات دارد (ویدودو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷؛ کوار<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶ و دومینگوئز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱) بیان داشتند که تمرکز مالکیت با افشای منابع انسانی ارتباط منفی دارد. این مطالعات نشان می‌دهند در صورتیکه شرکت‌ها متعلق به خانواده مؤسسان باشد و یا مالکیت مدیریتی حاکم باشد، عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران اکثریت و سهامداران اقلیت ایجاد می‌شود که در آن سهامداران اکثریت اطلاعات بیشتری در مورد وضعیت یا اطلاعات داخل شرکت در مقایسه با سهامداران اقلیت یا طرف‌های خارجی دارند. مارتینز<sup>۷</sup> (۲۰۱۶) اظهار می‌دارد که در شرکت‌هایی که به طور متوسط تمرکز بالایی از مالکیت دارند یا هنوز به طور گسترده در اختیار خانواده‌ها هستند؛ دارای سطح پایین یا متوسطی از افشای منابع انسانی هستند؛ اما شرکت‌های با مالکیت مدیریتی بالاتر، منابع انسانی را به طور داوطلبانه افشا

می‌کنند زیرا آن‌ها اغلب آن‌ها را در گزارش‌های شرکت‌های داخلی خود بیان کرده‌اند. البته برخی تحقیقات نیز نشان داده است که وجود مالکیت مدیریتی در شرکت‌ها به دلیل مسئله نمایندگی و ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی مانع از افشای منابع انسانی می‌شود. (آگاروال و ورما<sup>۸</sup>، ۲۰۲۰).

همچنین تحقیقاتی در مورد بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر افشای شاخص منابع انسانی انجام شده است. دیکو و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۲۰) معتقدند ارتباطات سیاسی می‌تواند منابع مورد نیاز شرکت‌ها را برای دستیابی به اهدافشان فراهم کند و حتی ممکن است یک مزیت قابل توجه به دست آورد که منجر به عملکرد مالی بهتر شود. برای این منظور، ارتباطات سیاسی باید در انتخاب‌ها و رفتارهای مختلف شرکت‌های متصل به سیاست، مانند استراتژی افشای آن‌ها تأثیر بگذارد. با توجه به اینکه موضوع افشای اطلاعات تنها محدود به قشر محدودی از استفاده‌کنندگان مالی نمی‌شود، بلکه این موضوع دربرگیرنده‌ی طیف وسیعی از افراد جامعه از جمله مجامع حرفه‌ای، اعتباردهندگان، دولت، سرمایه‌گذاران و سایر تصمیم‌گیرندگان مالی است؛ و همچنین با توجه به رونق گرفتن بورس اوراق بهادار تهران، موضوع افشا، طی سال‌های اخیر در کانون توجه مجامع حرفه‌ای، تدوین‌کنندگان استانداردها و صاحب‌نظران رشته‌ی حسابداری ایران بوده است. با توجه به این اهمیت در این تحقیق به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که آیا ارتباطات سیاسی بر رابطه بین نوع مالکیت و افشای منابع انسانی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است یا خیر؟

## ۲- چارچوب نظری و فرضیات تحقیق

تحقیقات نشان می‌دهد به دلیل ظهور اقتصاد دانش‌بنیان، منابع انسانی برای یک سازمان ضروری است و شکوفایی سازمان‌ها بسیار وابسته به منابع نامشهود است؛ زیرا کلید

<sup>6</sup> Dominguez

<sup>7</sup> Martinez

<sup>8</sup> Aggarwal & Verma

<sup>9</sup> Dicko et al

<sup>2</sup> Human resources

<sup>3</sup> Hamidah, Linda Ratna Sari

<sup>4</sup> WIDODO

<sup>5</sup> Kaur

جامعه وابستگی درونی دارند و هیئت‌مدیره باید بیشتر به مسئولیت‌های اجتماعی خود توجه کند تا توجه به سهامداران. تئوری مشروعیت بیان می‌کند که سازمان‌ها تا زمانی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند که جامعه آن‌ها را مشروع بداند و به آن‌ها مشروعیت ببخشد، به عبارتی دیگر، قرارداد اجتماعی مابین شرکت‌ها و تک‌تک اعضای جامعه وجود دارد. (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۹۳)؛ و می‌توان مشروعیت پرکاربردترین نظریه برای توضیح است‌انگیزه شرکت‌ها برای افشای فعالیت‌های خود است (ساراسواتی و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۸).

### تمرکز مالکیت و افشای منابع انسانی

تمرکز مالکیت به مالکیت اکثریت سهام یک شرکت در دست عده‌ای از افراد حقیقی یا حقوقی اشاره دارد. تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان درخور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸). در ارتباط با تأثیر سهامداران بزرگ دو فرضیه وجود دارد. فرضیه اول بیان می‌کند سهامداران بزرگ دارای قدرت و نفوذ زیادی بر مدیریت هستند. در نتیجه برای جلب نظر سهامداران مجبور هستند تمامی تصمیم‌های شرکت را در راستای اهداف سهامداران بزرگ و جلب نظر آن‌ها اتخاذ کنند. در نتیجه سبب ضایع شدن حقوق دیگر سهامداران و افزایش ریسک می‌شود. نظریه دوم بیان می‌کند اگر شرکت فاقد سهامدار بزرگ باشد با توجه به اینکه هزینه نظارت بر مدیریت شرکت زیاد است در نتیجه سهامداران کوچک به سهم کم نمی‌تواند از عهده این هزینه‌ها برآیند و با کاهش کنترل مدیریت ریسک سهامداران افزایش می‌یابد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۲).

موفقیت یک سازمان کارمندان ماهر و با دانش هستند. از این‌رو، منابع انسانی تنها منبعی است که انواع منابع یک سازمان را به شکل ارزشمندی تبدیل می‌کند و بنابراین انتظار سرمایه‌گذار در مورد درآمد آینده سازمانی که دارای کیفیت بالای منابع انسانی است، زیاد است. با کمک افشای حسابداری منابع انسانی، سرمایه‌گذاران بهتر قدرت منابع انسانی را در یک سازمان قضاوت می‌کنند. از این‌رو، افشای منابع انسانی شرکت به صراحت به عنوان یک دارایی سودآور و عامل اصلی موفقیت سازمان در نظر گرفته شده است (آگاروال و ورما<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰).

افشا به عنوان یکی از اصول حسابداری مطرح است و بر این اساس باید کلیه اطلاعات مربوط به فعالیت شرکت به نحو مناسب و به موقع در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۷)؛ اما دلیل اینکه چرا شرکت‌ها اطلاعات گوناگون (اعم از مالی، فکری، داوطلبانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی) را برای استفاده‌کنندگان انتشار می‌دهند، در نظریه‌های مختلف (از جمله نظریه‌های نمایندگی<sup>۱۱</sup>، مباشرت<sup>۱۲</sup>، تئوری ذینفعان<sup>۱۳</sup> و تئوری مشروعیت<sup>۱۴</sup>) متفاوت است. فرض اساسی تئوری نمایندگی تضاد بین مدیر و مالک می‌باشد. در بطن شرکت‌ها، مدیران منابع مالکان را در اختیار دارند و از منابع آن‌ها استفاده می‌کنند. بر اساس تئوری نمایندگی می‌توان گفت شرکت‌ها برای کاهش تضاد بین مدیران و مالکان (سهامداران) دست به افشای اطلاعات می‌زنند و شرکت‌ها با افزایش افشا ارزششان را افزایش می‌دهند (لاندهل و ویکل<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۶). بر مبنای تئوری مباشرت، مباشران، اهداف سازمان را بر منافع شخصی خود ترجیح می‌دهند و دستیابی به موفقیت‌های سازمان، خود باعث ارضای نیازهای شخصی و در نتیجه دستیابی به اهداف مباشران می‌شود (باتهولا<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸). تئوری ذینفعان بر این اساس است که شرکت‌ها و

<sup>14</sup> Legitimacy theory

<sup>15</sup> Lundholm, R. , & Van Winkle

<sup>16</sup> Bathula

<sup>17</sup> SARASWATI

<sup>10</sup> Aggarwal & Verma

<sup>11</sup> Agency theory

<sup>12</sup> Stewardship theory

<sup>13</sup> Stakeholder theory

مدیریت درصد کمی از سهام شرکت را مالک است، به سبب وجود نظارت کارا در جهت منافع شرکت و به حداکثر رساندن ارزش شرکت اقدام می‌کند؛ اما مطابق با نظریه سنگربندی<sup>۲۲</sup>، زمانی که مدیر درصد بالایی از سهام شرکت را در اختیار داشته باشد به سبب نفوذ زیاد و عدم وجود نیروی نظارتی، ممکن است فعالیت‌هایی انجام دهد در جهت منافع سهامداران نباشد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۲).

مطالعات ناگار (۲۰۱۱)<sup>۲۳</sup> نشان می‌دهد که مالکیت مدیریتی انتشار اطلاعات را محدود می‌کند و نقدینگی بورس را کاهش می‌دهد زیرا اطلاعات افشا شده بسیار اندک است که منجر به عدم توانایی نظارت بر فعالیت‌های مدیریتی در بازار می‌شود. او بیان می‌کند که بین مالکیت مدیریتی و افشای سرمایه انسانی رابطه منفی وجود دارد زیرا مدیران اطلاعات یا اسرار بیشتری را می‌دانند، بنابراین مدیرانی که در همان زمان سهامدار هستند تمایلی به انتشار آن برای ذینفعان ندارند. از طرف دیگر، سهامداران اقلیت یا سهامداران خارج از مدیریت نیاز به افشای بیشتری دارند. هامیدا و ساری (۲۰۲۰) نیز به رابطه‌ای منفی در این زمینه دست پیدا کردند با توجه به توضیحات بالا، فرضیه دوم به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم: بین مالکیت مدیریتی و افشای منابع انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

### مالکیت نهادی و افشای منابع انسانی

مالکیت نهادی به‌عنوان درصد سهام آورده شده به‌وسیله سرمایه‌گذاران حقوقی تعریف می‌شود که شامل سرمایه‌گذاران بزرگ مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، سرمایه‌گذاری، موسسه بازنشستگی و... می‌باشد که نقش بااهمیتی را در راهبری فعالیت‌های مدیران ایفا می‌کند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۲). به دلیل سرمایه‌گذاری بلندمدت، سهامداران نهادی در شرکت تمایل زیادی

آگروال و ورما (۲۰۲۰) معتقدند بر اساس تئوری ذینفعان در شرکت‌های با مالکیت غیرمتمرکز، احتمال درگیری بین مدیرعامل و نمایندگان در مقایسه با شرکت‌های متمرکز بیشتر است. شرکت‌های با مالکیت غیرمتمرکز فشار بیشتری از طرف ذینفعان برای کاهش عدم تقارن اطلاعات احساس می‌کنند؛ بنابراین، آن‌ها اطلاعات داوطلبانه بیشتری را در گزارش‌های سالانه خود فاش می‌کنند؛ اما شرکت‌های متمرکز اطلاعات کمتری را افشا می‌کنند زیرا سرمایه‌گذاران غالب معمولاً در صورت نیاز از طریق جلسات خصوصی به اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند. تحقیقات قبلی توسط برامبر<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۶) نیز به یک نتیجه منفی قوی بین تمرکز مالکیت و سطح افشای منابع انسانی رسیده است. در شرکت‌های دارای تمرکز مالکیت بالا، سطح افشای منابع انسانی حتی پایین‌تر خواهد بود زیرا سهامداران به همه چیز، از جمله اطلاعات دسترسی دارند. درحالی‌که برای شرکت‌هایی که سطح مالکیت آن‌ها پراکنده است و یا تمرکز آن‌ها پایین است، سطح افشای اطلاعات بالا خواهد بود زیرا سهامداران اقلیت به اندازه اکثریت سهامداران به اطلاعات دسترسی ندارند. اما هانیفا و کوک<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۲) رابطه مثبتی بین تمرکز مالکیت یک شرکت و سطح افشای اطلاعات پیدا کردند بر این اساس فرضیه اول به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه اول: بین تمرکز مالکیت و افشای منابع انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد

### مالکیت مدیریتی و افشای منابع انسانی

مالکیت مدیریتی به‌عنوان درصد سهام در اختیار مدیران داخلی شرکت تعریف می‌شود. سطح مالکیت مدیریتی متفاوت است. این تفاوت سطح می‌تواند معیاری برای اندازه‌گیری تضاد منافع بین مدیر و مالک مدنظر قرار گیرد (آننگ و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۵). در این باره دو نظریه عمده وجود دارد. مطابق با فرضیه همگرایی منافع<sup>۲۱</sup>، زمانی که

<sup>21</sup> . Convergence of interestshypothesis

<sup>22</sup> Trench Hypothesis

<sup>23</sup> Nagar

<sup>18</sup> Brammer

<sup>19</sup> Haniffa and Cooke

<sup>20</sup> Ang et al

اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی، یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه‌دولتی.

در شرکت‌های دارای روابط سیاسی، تعارضات مربوط به نظریه نمایندگی ممکن است باعث تأثیر بر چگونگی افشای اطلاعات شود. برخی مطالعات معتقدند که اتصال مدیران شرکت با نمایندگان دولت می‌تواند موجب لابی‌گری شود و در نتیجه آن امکان دارد که افشای گزارش‌های مربوط به کیفیت گزارشگری، کیفیت افشا و حتی افشای زیست‌محیطی با اشکال مواجه شود (نورال و همکاران، ۲۰۱۹). جیا و ژانگ (۲۰۱۲) معتقدند در چنین شرکت‌هایی ممکن است که تحت تأثیر روابط سیاسی، مدیریت ارشد سازمانی ترجیح می‌دهد منفعل و مطابق با اراده "سیاستمداران" باشد تا از انصباب مداوم خود اطمینان یابد. در این شرایط، نمایندگی یک شخص مرتبط سیاسی در یک شرکت بر روند افشا تأثیر می‌گذارد (جیا و ژانگ، ۲۰۱۲)؛ اما بروینسلز و کاردینالز<sup>۲۸</sup> (۲۰۱۳) استدلال می‌کنند که چنین ارتباطاتی مزایای بالقوه‌ای را به همراه دارد، زیرا اعضای مدیریت و کمیته حسابرسی ممکن است روابط تجاری ایجاد کنند که برای کسب مشروعیت منجر به اعتماد و روابط مناسب کاری شود. به نظر آن‌ها افراد متصل سیاسی می‌توانند اشتراک و افشای اطلاعات مربوط به کار را که می‌تواند برای عملکرد عملیاتی و استراتژیک شرکت سودمند باشد، ارتقا دهند.

### ۳- پیشنهاد پژوهش

لی و همکاران<sup>۲۹</sup> (۲۰۲۱) در بررسی پیوند ارتباط سیاسی، تبلیغات سیاسی و افشای اطلاعات زیست‌محیطی شرکت‌ها در چین نشان می‌دهند که مدیران ارشد دارای روابط سیاسی، سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی پایینی را نشان

به‌صرف منابع برای تأثیرگذاری و نظارت در حوزه مدیریتی دارند. وجود مالکیت نهادی، مدیریت شرکت را به تمرکز بر عملکرد اقتصادی و اجتناب از رفتارهای فرصت‌طلبانه وامی‌دارد (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۳). مالکان نهادی در کشورهای دارای سازوکارهای حاکمیتی و قانونی مستحکم توانایی کنترل بالاتری نسبت به مدیران شرکت‌ها دارند (بنفرا تیلو و سیمینیلی<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۶). انتظار بر این است که مالکیت نهادی میزان عدم تقارن اطلاعاتی و ازاین‌رو، مشکلات نمایندگی را کاهش دهد. المانس<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۲) نیز نشان می‌دهد سرمایه‌گذار که هدف آن کسب درجه بالایی از افشای اختیاری می‌باشد در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که مالکیت دولتی (نهادی) آن‌ها بالا و مالکان عمده آن‌ها کم می‌باشد.

فرضیه سوم: بین مالکیت نهادی و افشای منابع انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

### تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین نوع مالکیت و افشای منابع انسانی

در اقتصادهای نوظهور دولت به‌عنوان اصلی‌ترین حامی اقتصاد هر کشور همواره نقش قیم را برای واحدهای اقتصادی هر جامعه ایفا کرده است (جنت‌مکان و همکاران، ۱۳۹۸)؛ اما در ادبیات پژوهشی اخیر، ارتباطات سیاسی شرکت و دولت، بیشتر در قالب حضور سرمایه‌گذاران عمده وابسته به دولت در ساختار مالکیت شرکت (بعد فردی ارتباطات سیاسی) بررسی شده است (صالحی نیا و مرادی، ۱۳۹۸). نظریه اقتصاد سیاسی از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم وارد متون اقتصادی جهان شد این نظریه نه تنها مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌مداران واقع شده است بلکه جامعه‌شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده‌اند (زارع پور و فرهادی، ۱۳۹۷). نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت‌های عبارت‌اند از وجود

<sup>27</sup> Jia & Zhang

<sup>28</sup> Bruynseels and Cardinaels

<sup>29</sup> Li et al

<sup>24</sup> Benfratello & Sembenelli

<sup>25</sup> Elemans

<sup>26</sup> Nural

افشای حسابداری منابع انسانی دارد و مالکیت خانوادگی تأثیر منفی در افشای حسابداری منابع انسانی دارد. هانن و موالا<sup>۳۵</sup> (۲۰۱۷) نشان دادند بین سطح افشای سرمایه فکری و تمرکز مالکیت رابطه آماری منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین سطح افشای سرمایه فکری و مالکیت نهادی رابطه مثبت و آماری معناداری وجود دارد. با این حال هیچ ارتباطی بین سطح افشای سرمایه فکری و مالکیت مدیریتی وجود ندارد. نورالنبی<sup>۳۶</sup> (۲۰۱۱) نشان داد بین شرکت‌هایی با مالکیت ۵ درصد از مالکیت خانوادگی و افشای منابع انسانی به دلیل کمبود مقررات دولتی، رابطه معناداری وجود ندارد؛ چراکه اکثر شرکت‌ها متعلق به یک خانواده هستند بنابراین مدیریت انگیزه‌ای برای افشای اطلاعات به سهامداران خانواده ندارد.

حسینی و بحیرایی (۱۳۹۸) در مطالعه خود نشان دادند ارتباطات سیاسی بر افشای داوطلبانه اطلاعات تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. در حقیقت شرکت‌هایی که از ارتباطات سیاسی بیشتری برخوردار هستند، تمایل بیشتری به افشای داوطلبانه اطلاعات ندارند. برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند افزایش ارتباطات سیاسی موجب افزایش تعهدات اجتماعی می‌شود و مدیران تمایل بیشتری به پاسخگویی دارند و تأثیر ارتباطات سیاسی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای شرکت‌هایی که محصولات آن‌ها در بازارهای رقابتی‌تر به فروش می‌رسد، مثبت است. مؤمنی و پهلوان (۱۳۹۸) نشان دادند بین ارتباطات سیاسی و افشای اختیاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد، به عبارتی ارتباطات سیاسی موجب کاهش افشای اختیاری شرکت‌ها می‌گردد. ملکی افوسی و کیقبادی (۱۳۹۶) نشان دادند با افزایش نسبت مالکیت نهادی و هزینه‌های تحقیق و توسعه بر شفافیت افشاء افزوده می‌شود. درحالی‌که در شرکت‌هایی با سطح فناوری بالا که دارای افزایش در نسبت

می‌دهند. هامیدا و ساری<sup>۳۰</sup> (۲۰۲۰) در بررسی تأثیر تمرکز مالکیت، مالکیت داخلی و مالکیت خانواده بر افشای منابع انسانی نشان دادند که مالکیت داخلی و مالکیت خانوادگی تأثیر منفی قابل توجهی در افشای منابع انسانی دارد و تمرکز مالکیت تأثیری بر افشای منابع انسانی ندارد. آگراوال و ورما<sup>۳۱</sup> (۲۰۲۰) در بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت در شاخص افشای منابع انسانی: نشان می‌دهند که دارایی‌های ثابت خالص، فروش خالص، سرمایه بازار، سود هر سهم، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و تعداد کل صفحات گزارش سالانه تأثیر قابل توجهی بر شاخص افشای منابع انسانی دارد؛ درحالی‌که شرکت‌های دولتی و خصوصی در مورد شیوه‌های افشای منابع انسانی تفاوتی ندارند. دیکو و همکاران<sup>۳۲</sup> (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان ارتباطات سیاسی و افشای داوطلبانه در شرکت‌های بورس کانادا نشان دادند شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی سیاست افشاگری داوطلبانه گسترده‌تری نسبت به شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی دارند. ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره و مدیریت عالی به‌طور مثبت و معنی‌داری با افشای داوطلبانه و ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره به‌طور مثبت و معناداری با افشا مرتبط هستند. علاوه بر این، ارتباطات سیاسی مدیریت عالی به‌طور مثبت و معناداری با افشای داوطلبانه زیست‌محیطی و اجتماعی مرتبط است. نورال و همکاران<sup>۳۳</sup> (۲۰۱۹) نشان دادند مالکیت دولتی تأثیر مثبت مدیران زن در افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تعدیل می‌کند، درحالی‌که ارتباطات سیاسی در هیئت‌مدیره تأثیر منفی بر این رابطه دارد. ویدودو<sup>۳۴</sup> (۲۰۱۷) در بررسی ساختار مالکیت و کمیسیونرهای خارجی برای افشای حسابداری منابع انسانی نشان دادند مالکیت خارجی در سطح مالکیت < ۲۰٪ و < ۳۰٪ تأثیری بر افشای حسابداری منابع انسانی ندارد. مالکیت خارجی در سطح مالکیت < ۵۰٪ تأثیر منفی بر

<sup>34</sup> WIDODO

<sup>35</sup> Hanen and Moalla

<sup>36</sup> Nurunnabi

<sup>30</sup> Hamidah, Linda Ratna Sari

<sup>31</sup> Aggarwal & Verma

<sup>32</sup> Dicko et al

<sup>33</sup> Nural

۳. فعالیت اصلی شرکت سرمایه‌گذاری، بانکداری، لیزینگ و نهاد مالی نباشد؛

۴. اطلاعات موردنیاز در بخش تعریف متغیرها در دسترس باشد و

۵. شرکت در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشد.

#### ۵- متغیرها و مدل آماری تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق افشای منابع انسانی (HCI) است این متغیر بیانگر افشا در گزارش‌های هیئت مدیره در ارتباط با ۱- تعداد کارکنان، ۲- سطح تحصیلات کارکنان، ۳- میزان تجربه کارکنان و ۴- برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای کارکنان می‌باشد

$$HCI = \frac{\sum HCI}{\sum MHC}$$

صورت کسر تعداد افشا شرکت برای منابع انسانی می‌باشد. مخرج کسر حداکثر تعداد افشا که یک شرکت می‌تواند برای منابع انسانی داشته باشد؛ که حاصل برابر یک نسبت برای افشا منابع انسانی می‌باشد که با عنوان شاخص افشا منابع انسانی تعریف و نمایش می‌شود

متغیر مستقل در این تحقیق ویژگی‌های مربوط به ساختار مالکیت (STRUCT) شامل متغیرهای زیر می‌باشد:

الف) تمرکز مالکیت: (OW-CO) برابر با درصد سهام در اختیار سهامدار عمده (ده سهامدار عمده) شرکت می‌باشد یا مجموع سهام اشخاص حقیقی و یا حقوقی که بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند

ب) مالکیت مدیریتی: (MGO): مالکیت مدیریت که از تقسیم سهام نگهداری شده توسط هیئت مدیره بر کل سهام شرکت در هر دوره به دست می‌آید

ج) مالکیت نهادی: (INST) میزان مالکیت نهادی، از مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت به دست می‌آید

مالکان نهادی هستند، با افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه، شفافیت اطلاعات کاهش می‌یابد. راعی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معناداری بین ساختار مالکیت و افشای گزارشات زیست محیطی وجود دارد. کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند رابطه معنی‌دار و مثبتی بین "نسبت اعضای غیرموظف" و "مالکیت شرکتی" با افشای اختیاری وجود دارد. بین "اندازه هیئت مدیره"، "مالکیت مدیریتی" و "مالکیت نهادی" با افشای اختیاری رابطه معنی‌داری یافت نشد. ناظمی و نصیری (۱۳۹۳) نشان دادند شرکت‌هایی که اطلاعات بیشتری افشا می‌کنند از سیستم حاکمیت شرکتی برتری برخوردارند و سرمایه‌گذاران نهادی بیشتری را به خود جذب می‌کنند.

#### ۴- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره (استفاده از روش پانل با اثرات ثابت) و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است. اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها، از طریق نرم‌افزار تدبیر پرداز و ره‌آورد نوین و پایگاه‌های اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده است و برای تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزارهای EViews9 و SPSS23 استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران در یک بازه زمانی ۷ ساله طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۸ می‌باشد که با استفاده از روش حذف سیستماتیک و بعد از مدنظر قرار دادن معیارهای زیر تعداد ۱۴۶ شرکت به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند؛

۱. شرکت قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته‌شده و تا پایان سال ۱۳۹۸ در بورس فعال باشد؛

۲. سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی زمان تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد؛

### متغیر تعدیل گر؛ ارتباطات سیاسی PCON بازده دارایی‌ها؛ (ROA)؛ لگاریتم ارزش دفتری

متغیر تعدیل گر؛ ارتباطات سیاسی PCON  
مطابق با مطالعه حبیب و همکاران (۲۰۱۷) به وسیله یک عامل مجازی دارایی‌های شرکت اندازه گیری می‌شود. به طوری که اگر حداقل یکی از سهامداران عمده

$$HCI_{it} = \beta_0 + \beta_1 OW-CO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 Sale\ Growth_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(مدل ۱-۱)

متغیرهای کنترلی:

$$HCI_{it} = \beta_0 + \beta_1 MGO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 Sale\ Growth_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(مدل ۱-۲)

اندازه شرکت؛ (SIZE): که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت در پایان سال محاسبه می‌شود.

$$HCI_{it} = \beta_0 + \beta_1 INST_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 Sale\ Growth_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(مدل ۱-۳)

اهرم مالی؛ (LEV): که از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

$$HCI_{it} = \beta_0 + \beta_1 STRUCT_{it} + \beta_2 PCON_{it} + \beta_3 (STRUCT_{it} * PCON_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 Sale\ Growth_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(مدل ۲)

$$LEV = \frac{DEBT}{TA}$$

رشد فروش؛ (Sale Growth): برابر با نسبت فروش سال جاری پس از کسر فروش سال گذشته، به فروش سال گذشته می‌باشد

### ۶- یافته‌های تحقیق

در جدول ۱ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداکثر و حداقل مشاهدات و ... ارائه شده است.

عمر شرکت؛ (AGE): برابر است عمر شرکت از زمان تأسیس

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های پراکندگی			شاخص‌های مرکزی		نام و تعداد متغیرها	
بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانه	میانگین	علامت اختصاری	متغیرها
۲/۰	۰/۰	۰/۵۳	۰/۶۷	۰/۹۸	HCI	افشای منابع انسانی
۱	۰	۰/۲۰	۰/۷	۰/۶۳	HIF	تمرکز مالکیت
۱	۰	۰/۲۱	۰/۷۰	۰/۶۶	MGO	مالکیت مدیریتی
۱	۰	۰/۲۵	۰/۸۲	۰/۷۰	INTS	مالکیت نهادی
۱۹/۹۲	۱۰/۶۶	۱/۵۷	۱۴/۲۶	۱۴/۴۳	Size	اندازه شرکت
۱/۵۶	۰/۰۳	۰/۲۰	۰/۶۲	۰/۶۰	Lev	اهرم مالی
۰/۴۷	-۱/۰۳	۲/۳۶	۰/۱۵	۰/۲۵	Sale Growth	رشد فروش
۰/۷	-۰/۲۶	۰/۱۴	۰/۱۶	۰/۱۷	ROA	بازده دارایی
۶۱	۸	۱۲/۳۳	۴۰	۳۹/۴۳	AGE	عمر شرکت



جدول ۲- توزیع فراوانی متغیر ارتباطات سیاسی

نام متغیر		علامت اختصاری	
تعداد	درصد	تعداد	درصد
۳۱۵	۳۰/۸۲	۷۰۷	۶۹/۱۸
ارتباطات سیاسی		PCON	
وجود		عدم وجود	

در انتخاب مدل داده‌های ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم. در حالت اول عرض از مبدأ برای کلیه شرکت‌ها یکسان است که در این صورت با روش پول و در حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام شرکت‌ها متفاوت است که در این حالت روش پانل انتخاب می‌شود. برای شناسایی دو حالت مذکور از آزمون اف-لیمر استفاده می‌کنیم.

با توجه به نتایج جدول ۲، از ۱۰۲۲ سال - شرکت مورد مطالعه، در ۳۱۵ نمونه مورد مطالعه یا به عبارتی در ۳۰ درصد از شرکت‌ها، سهامداران عمده شرکت (با مالکیت ۱۰ درصد یا بیشتر) از شخصیت‌های وابسته به دولت بوده است.

### انتخاب مدل اول

جدول ۳- آزمون چاو یا لیمر و آزمون هاسمن (مدل اول)

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	P-Value
آزمون F لیمر	F	۱۹/۴۲	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن	$\chi^2$	۱۲۱/۵۴	۰/۰۰۰

الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی آزمون هاسمن انجام شود. نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که روش مورد استفاده پانل با اثرات ثابت می‌باشد.

با توجه به جدول ۲ مقدار احتمال آماره F و آماره کای - دو برای مدل کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین فرض صفر یعنی برابری عرض از مبدأها رد می‌شود، بنابراین استفاده از روش پانل ارجحیت دارد. لذا لازم است برای انتخاب

جدول ۴- نتایج برآورد مدل اول تحقیق

متغیر	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال
HIF	-۰/۱۲	-۴/۶۵	۰/۰۰۰
MGO	-۰/۰۷	-۲/۰۲	۰/۰۴۶
INTS	۰/۰۰۲	۱/۴۸	۰/۱۳
Size	۰/۰۱۸	۷/۶۵	۰/۰۰۰
Lev	-۰/۰۴۶	-۱/۷۳	۰/۰۸۴
Sale Growth	۰/۰۳	۳/۰۷	۰/۰۰۲
ROA	۰/۰۶	۱/۶۷	۰/۰۹
AGE	۰/۰۹	۱/۵۴	۰/۱۲
C (مقدار ثابت)	۰/۱۶	۱۲/۴۳	۰/۰۰۰
مقدار F		۱۴/۵۴	مقدار احتمال F
			۰/۰۰۰

۱/۸۱	دوربین واتسون	۰/۴۴۵۶	$R^2$ ضریب تعیین
		۰/۴۱۲۷	ضریب تعیین تعدیل شده

مقادیر آماره  $t$  در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت تمرکز مالکیت و مالکیت مدیریتی رابطه منفی و معناداری با افشای منابع انسانی دارد؛ اما مطابق با نتایج، سطح معنی‌داری آماره  $t$  مربوط به متغیر مالکیت نهادی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده و برابر با (۰/۱۳) یعنی بی‌معنی است و ضریب آن برابر با (۰/۰۰۲) و مقدار آماره  $t$  برای آن برابر با ۱/۴۸ می‌باشد.

### انتخاب مدل دوم

جدول ۵- آزمون چاو یا لیمر و آزمون هاسمن (مدل دوم)

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	P-Value
آزمون F لیمر	F	۱۳/۰۲	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن	$\chi^2$	۱۳۹/۵۴	۰/۰۰۰

الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی آزمون هاسمن انجام شود. نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که روش مورد استفاده پانل با اثرات ثابت می‌باشد.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۴، سطح معنی‌داری آماره  $t$  مربوط به متغیر تمرکز مالکیت کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده و برابر با (۰/۰۰۰) یعنی معنی‌دار است و ضریب آن برابر با (-۰/۱۲) و مقدار آماره  $t$  برای آن برابر با -۴/۶۵ می‌باشد. همچنین سطح معنی‌داری آماره  $t$  مربوط به متغیر مالکیت مدیریتی کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده و برابر با (-۰/۰۴۶) یعنی معنی‌دار است و ضریب آن برابر با (-۰/۰۷) و مقدار آماره  $t$  برای آن برابر با -۲/۰۲ می‌باشد؛ که این

با توجه به جدول ۴ مقدار احتمال آماره F و آماره کای - دو برای مدل کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین فرض صفر یعنی برابری عرض از مبدأها رد می‌شود، بنابراین استفاده از روش پانل ارجحیت دارد. لذا لازم است برای انتخاب

جدول ۶- نتایج برآورد مدل دوم تحقیق

متغیر	مقدار ضرایب	مقدار $t$	مقدار احتمال
PCON	-۱/۴۵	-۲/۵۶	۰/۰۲۷
HIF	-۰/۱۷	-۳/۹۸	۰/۰۰۰
MGO	-۰/۰۰۹	-۲/۷۸	۰/۰۲۰
INTS	۰/۰۰۶	۱/۸۱	۰/۰۵۴
HIF* PCON	-۰/۰۷	-۴/۴۳	۰/۰۰۰
MGO* PCON	-۰/۳۲	-۱/۵۲	۰/۱۷
INTS* PCON	۰/۱۸	۰/۷۹	۰/۲۳۱
Size	۰/۲۱	۴/۴۲	۰/۰۰۰
Lev	-۰/۰۸	-۲/۰۴	۰/۰۴۶
Sale Growth	۰/۱۷	۲/۸۷	۰/۰۳۵
ROA	۰/۰۴	۱/۷۲	۰/۰۰۸
AGE	۰/۱۲	۱/۳۲	۰/۲۳

	مقدار ثابت (C)	۰/۳۵	۸/۵۴
۰/۰۰۰	مقدار احتمال F	۱۹/۲۱	۰/۰۰۰
۱/۷۹	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	۰/۴۰۸۹	دوربین واتسون
	ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۳۸۷۶	

یا مالکیت مدیریتی بالا، به دلیل آنکه عمده سهام در اختیار یک گروه مشخص قرار دهد، تمایل چندانی در شرکت در مورد افشای اطلاعات و در اختیار قرار دادن آن برای ذینفعان وجود ندارد این نتیجه مطابق با یافته‌های (آگراوال و ورما، ۲۰۲۰)، هامیدا و ساری (۲۰۲۰) و ناگار (۲۰۱۱) می‌باشد. همچنین نتیجه این فرضیه نشان داد که رابطه معنی‌داری میان مالکیت نهادی و افشای منابع انسانی وجود ندارد؛ اگرچه رابطه‌ای مثبت میان آن‌ها وجود داشت، اما مالکیت نهادی، نتوانسته است میزان عدم تقارن اطلاعاتی و از این رو، مشکلات نمایندگی را کاهش دهد و مدیریت شرکت را به تمرکز بر عملکرد اقتصادی و اجتناب از رفتارهای فرصت‌طلبانه و افشای منابع انسانی متمایل کند؛ که می‌تواند تا اندازه‌ای ناشی از ضعف سازوکارهای حاکمیت شرکتی در بازار بورس تهران باشد.

همچنین نتایج فرضیه دوم نشان داد که ارتباطات سیاسی رابطه منفی تمرکز مالکیت با افشای منابع انسانی را تقویت می‌کند؛ اما بر رابطه میان مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی با افشای منابع انسانی تأثیر معناداری ندارد. مطابق با مبانی نظری انتظار بر این بود که در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی قوی، به دلیل وجود ارتباطات قوی و اتصال مدیران شرکت با نمایندگان دولت، موجب لابی‌گری شود و در نتیجه آن امکان دارد که افشای گزارش‌های منابع انسانی با اختلال مواجه شود. به‌ویژه نتایج نشان در صورت تمرکز مالکیت و انحصار سهام در دست عده‌ای معدود از افراد حقیقی و یا حقوقی، تأثیر منفی ارتباطات سیاسی بر کاهش افشای منابع انسانی افزایش یافته است که می‌تواند ناشی از سهولت تصمیم‌گیری به دلیل یکپارچگی اعضا و عدم پاسخگویی به ذینفعان و یا عدم فشار وارد بر آن‌ها باشد. این

بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول ۶، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر (HIF\* PCON) کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده و برابر با (۰/۰۰۰) یعنی معنی‌دار است، و ضریب آن برابر با (۰/۰۷-) و مقدار آماره t برای آن برابر با ۴/۴۳- می‌باشد. اما سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر (MGO\* PCON) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده و برابر با (۰/۱۷) یعنی بی‌معنی است و ضریب آن برابر با (۰/۳۲-) و مقدار آماره t برای آن برابر با ۱/۵۲- می‌باشد؛ و سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر (INTS\* PCON) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده و برابر با (۰/۲۳۱) یعنی بی‌معنی است، و ضریب آن برابر با (۰/۱۸) و مقدار آماره t برای آن برابر با ۰/۷۹ می‌باشد؛ که این مقادیر آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت ارتباطات سیاسی رابطه منفی تمرکز مالکیت با افشای منابع انسانی را تقویت می‌کند؛ اما بر رابطه میان مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی با افشای منابع انسانی تأثیر معناداری ندارد.

## ۷- بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق با استفاده از داده‌های ۱۴۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۸ به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین نوع مالکیت و افشای منابع انسانی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. نتایج نشان داد که تمرکز مالکیت و مالکیت مدیریتی رابطه منفی و معناداری با افشای منابع انسانی دارد؛ اما رابطه مالکیت دولتی با افشای منابع انسانی معنی‌دار نیست. این نتیجه مطابق با مبانی نظری مطرح‌شده در مورد تئوری ذینفعان و همچنین تحت تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی ایجادشده، نشان می‌دهد که در شرکت‌های با تمرکز بالا و

با مدیریت مبتنی بر ارزش‌آفرینی و هزینه نمایندگی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی، دانش حسابداری و مدیریت مالی، سال ۸، ش ۳۱

۴. حسینی، سیدعلی و بحیرایی، افسانه (۱۳۹۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر افشای داوطلبانه در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۶، ش ۶۲، ۱۵۱-۱۵۷

۵. حیدرپور، فرزانه و صالحی، سمیرا (۱۳۹۳) تأثیر افشای محیط‌زیست، منابع انسانی و اهداف و برنامه‌های مدیریت بر تداوم فعالیت شرکت‌ها، مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۶، ش ۲۱، ۶۵-۵۰

۶. خدادادی، ولی؛ رشیدی باغی، محسن؛ قربانی، رامین و کاویانی، مریم (۱۳۹۲) تأثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین جریان‌های نقد آزاد و استفاده بهینه از دارایی‌ها"، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۱، (۱)، ۹۳-۱۰۸

۷. راعی، فردین؛ شاکری، شهرام و لازمی، سعید (۱۳۹۶) تأثیر ساختار مالکیت و ساختار سرمایه بر افشای گزارشات زیست‌محیطی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری

۸. زارع پور، سینا و فرهادی، سویل (۱۳۹۷) تأثیر ارتباطات سیاسی بر حق‌الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۱، ش ۳، ۲۸-۴۲

۹. سجادی، حسین، فرازمنند، حسن و نیک‌کار، جواد (۱۳۹۲) تأثیر ساختار مالکیت بر ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۵، ش ۲۰، ۲۹-۵۶

نتیجه مطابق با یافته‌های نورال و همکاران (۲۰۱۹) و حسینی و بحیرایی (۱۳۹۸) و در تضاد با یافته‌های دیکو و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد

با توجه به این نتایج پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذارانی که تمایل به آگاهی از وضعیت سرمایه انسانی شرکت و به‌ویژه شاخص‌های افشای آن به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد انتخاب سهام خود هستند، نوع مالکیت شرکت‌ها و به‌ویژه ساختار و تمرکز مالکیتی آن را موردتوجه قرار دهند، چراکه می‌تواند با افزایش عدم تقارن اطلاعات منجر به اختلال در افشای منابع انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های شرکت شود. همچنین پیشنهاد می‌شود ارتباطات سیاسی شرکت‌ها نیز به دلیل تأثیر آن بر تشدید رابطه منفی به‌ویژه در مورد تمرکز مالکیت موردتوجه سهامداران و همچنین اعتباردهندگان قرار گیرد و سازمان بورس و نهادهای ناظر نیز در این زمینه قوانین مشخصی را در مورد افشای منابع انسانی شرکت‌ها و اجبار به افشای آن تدوین کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آتی رابطه تمرکز بازار محصول و استراتژی رقابتی شرکت‌ها را بر رابطه میان شاخص‌های ساختار مالکیت و افشای منابع انسانی موردبررسی قرار دهند.

## منابع

۱. اعتمادی، حسین؛ باباجانی، جعفر و آذر، عادل (۱۳۸۸) تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی، فصلنامه علوم مدیریت، سال ۴، ش ۱۵، ۵۹-۸۵
۲. برادران حسن‌زاده، رسول؛ ایضی، عیسی و نامور، رامین (۱۳۹۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با تأکید بر رقابت بازار محصول، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۹، ش ۳، ۳۰۱-۳۲۵
۳. جنت‌مکان، حسین؛ حمیدیان، محسن و حاجیها، زهره (۱۳۹۸) بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی

رتبه‌بندی افشای ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه فکری به روش سلسله مراتبی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال ۳، ش ۶، ۱-۳۵

۱۴. مؤمنی، ابوالفضل و پهلوان، علیرضا (۱۳۹۸) بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و افشای اختیاری: شواهدی از شرکت‌های ایرانی، دومین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مدیریت و حسابداری ۱۵. ناظمی، امین و نصیری، طاهره (۱۳۹۳) بررسی ارتباط میان کیفیت حاکمیت شرکتی و میزان مالکیت نهادی با افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مالی، سال ۶، ۹۹-۱۲۰

۱۰. صالحی نیا، محسن و تامراد، علی (۱۳۹۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی، حسابداری مالی، سال ۱۱، ش ۲، ۳۹-۶۰  
 ۱۱. کاشانی پور، محمد؛ کریمی، حسن و کریمی، ولی اله (۱۳۹۳) بررسی ارتباط بین ساختار هیئت‌مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ۴، ش ۱۴، ۱۶۷-۱۸۶  
 ۱۲. ملکی افوسی، لایلا و کیقبادی، امیررضا (۱۳۹۶) تأثیر فناوری، مالکیت نهادی و هزینه‌های تحقیق و توسعه بر شفافیت اطلاعات، پژوهش‌های مالی حسابداری و حسابرسی، سال ۹، ش ۳۶، ۸۹-۱۱۰

۱۳. ملکیان، اسفندیار؛ فخاری، حسین؛ کامیابی، یحیی و پاک‌دلان، سعید (۱۳۹۷) بررسی و

16. Aggarwal, K& Verma, A (2020) Effect of Company Characteristics on Human Resource Disclosure Index: Empirical Evidences from Indian Corporates, Management and Labour Studies 45(1) 85-117, 2020  
 17. Ang, J. S., Cole, R. A., and Lin, W. J. (2000); "Agency cost and ownership structure", Journal of Finance, 55, 81-106.  
 18. Benfratello, L., & Sembenelli, A. (2006) ); " Foreign ownership and productivity: Is the direction of causality so obvious? ", International Journal of Industrial Organization, 24, 733-751  
 19. Bruynseels, L. & Cardinaels, E. 2013. The audit committee: Management watchdog or personal friend of the CEO? The Accounting Review 89: 113-145  
 20. Bathula, H. (2008). Board Characteristics and Firm Performance: Evidence from New Zealand Hanoku Bathula Faculty of Business Primary Supervisor.  
 21. Brammer, S.J. and Pavelin, S. "Voluntary environment disclosures

by large companies." Journal of Business Finance and Accounting, 2006: Vol.33, Nos.7-8, pp.1168- 88  
 22. Dicko, S., Hanan, K., Zongin, F (2020) Political connections and voluntary disclosure: the case of Canadian listed companies, Journal of Management and Governance volume 24, pages481-506(2020)  
 23. Dominguez, A. A. (2011). The impact of human resource disclosure on corporate image. Journal of Human Resource Costing & Accounting, 279-298  
 24. Elemans. (2012). OWNERSHIP STRUCTURE AND VOLUNTARY DISCLOSURES IN EUROPE.  
 25. Hanen Ghorbel Siala and Marwa Moalla (2017) THE EFFECT OF OWNERSHIP STRUCTURE ON VOLUNTARY DISCLOSURE OF INTELLECTUAL CAPITAL INFORMATION: THE CASE OF CANADIAN FIRMS, International Journal of Development Research, Vol. 07, Issue, 01, pp.11044-11054, January, 2017

26. Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. *ABACUS*, 38(3), 317–349
27. Hamidah, Linda Ratna Sari (2020) THE EFFECT OF OWNERSHIP CONCENTRATION, OWNERSHIP INSIDER, AND FAMILY OWNERSHIP ON HUMAN RESOURCES DISCLOSURE, *Journal of Critical Reviews*, ISSN-2394-5125 Vol 7, Issue 9, 2020
28. Kaur, S. et al. (2016). Impact of corporate characteristic on human resource disclosure. *Asian Review of Accounting*, 90-425.
29. Lundholm, R. , & Van Winkle, M. (2006). Motives for disclosure and non-disclosure: a framework and review of the evidence. *Accounting and Business Research*, 36 (sup1) , 43–48.
30. Li, Y., Wong, C.W.Y. and Miao, X. (2021), "Political connection, political promotion and corporate environmental information disclosure in China", *Chinese Management Studies*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CMS-06-2020-0233>
31. Martinez, J. (2016), "Is family ownership of a firm associated with the control of managerial discretion and corporate decisions?", *Journal of Family Business Management*, Vol. 6 Iss 1 pp.
32. Nagar, V., Nanda, D., & Wysocki, P. 2011. Discretionary disclosure and stock-based incentives. *Journal of Accounting and Economics*, 34: 283-309
33. Nural, N.J., Itnan, M., Ku., N (2019) oes Political Connection Moderate Women Directors' Effect on CSR Disclosure? Evidence from Malaysi, *Asian Journal of Accounting and Governance* 11
34. Nurunnabi, M., Karim, A.K.M.W. and Norton, S. (2011), "The perceived need for and impediments to achieving accounting transparency in developing countries: a field investigation on Bangladesh", *International Journal of Managerial and Financial Accounting*, Vol. 3 No. 1, pp. 32- 54
35. SARASWATI, E., Ananda SAGITAPUTRI, Yan RAHADIAN (2018) Political Connections and CSR Disclosures in Indonesia, *Journal of Asian Finance, Economics and Business* Vol 7 No 11 (2020) 1097–1104
36. WIDODO, NOVA MAULUD (2017) Ownership Structure and Foreign Commissioners for Human Resources Accounting Disclosures, *THE INDONESIAN JOURNAL OF ACCOUNTING RESEARCH*, Vol. 20, No. 3, September 2017 | <http://ijar-iaikapd.or.id> | DOI 10.33312/ijar.384, Page 373 – 394
37. White, G., Lee, A. and Tower, G. (2007), "Drivers of voluntary intellectual capital disclosure in listed biotechnology companies", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 8 No. 3, pp. 517-37

## The Effect of Political Connections on the Relationship between the Type of Ownership and Disclosure of Human Resources in Companies listed on the Tehran Stock Exchange

### Abstract

Disclosure is considered as one of the principles of accounting and based on this, all information related to the company's activities should be provided to users in a proper and timely manner. The purpose of this study is to investigate the effect of political Connections on the relationship between the type of ownership and disclosure of human resources in companies listed on the Tehran Stock Exchange. The research is applied in terms of the type of purpose and the research method is cause and effect in terms of nature and content. The research was conducted in the framework of deductive-inductive reasoning and to analyze the hypotheses, panel analysis has been used. To collect information, data from 146 companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period 1392-1398 have been used. The results of this study showed that the concentration of ownership and managerial ownership has a negative and significant relationship with human resource disclosure; But the relationship between institutional ownership and human resource disclosure is not significant; Political connections also reinforce the negative relationship between ownership concentration and human resource disclosure; But it has no significant effect on the relationship between managerial ownership and institutional ownership with human resource disclosure.

**Keywords:** Political Connections, Concentration of Ownership, Managerial Ownership, between Institutional Ownership, Disclosure of Human Resources

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی